

تبیین رویکردهای حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال کردها از آشتی ملی تا سیاست سرکوب (2002-2015)

صغری فرحمند^۱، علیرضا سمیعی^۲

تاریخ دریافت: 1396/6/24

تاریخ پذیرش: 1396/12/14

چکیده

رویکرد رهبران حزب عدالت و توسعه در قبال اقلیت کرد، پس از پیروزی پارلمانی 2002 نشان از حرکت این کشور به سمت آشتی ملی^۳ در سال‌های آتی داشت. با این حال، در ادامه این حزب عملاً نتوانست به تعهدات خود در قبال این اقلیت، جامه عمل بپوشاند. بر این پایه، هدف پژوهش حاضر بررسی چرایی تغییر و نوسان رویکردهای حزب عدالت و توسعه در قبال کردها بین سالهای 2002-2015 است. بدین ترتیب، پژوهش با تکیه بر روش کیفی از نوع تبیین علی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی، در پی پاسخگویی به این پرسش اصلی است که علت فعال شدن مجدد شکاف قومی ترک-کرد پس از یک دهه سیاست آشتی و کاهش حمایت کردها از حزب عدالت و توسعه در انتخابات 2015 چه بوده است؟ فرضیه مورد آزمون پژوهش این است که؛ به نظر می‌رسد ناتوانی دولت ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه در پی‌گیری و تامین کامل مطالبات اقلیت کرد پس از مذاکرات آشتی ملی و عدم دستیابی کردها بر مطالبات اصلی‌شان از یکسو، و گرایش کردها به همبستگی فرامرزی با کردهای سوریه و عراق پس از تحولات اخیر خاورمیانه از سوی دیگر باعث خصمانه شدن مواضع طرفین و فعال شدن شکاف ترک-کرد در انتخابات اخیر شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بخشی از سیاست‌های حزب عدالت و توسعه در حوزه رتوریک باقی ماند و در عمل کمتر توانست اهداف حزب را تامین نماید از این رو، ناتوانی حزب در پی‌گیری و تامین مطالبات کردها، باعث فعال شدن شکاف ترک-کرد در انتخابات اخیر شده است.

واژه‌های کلیدی: ترکیه، حزب عدالت و توسعه، اقلیت کرد، سیاست آشتی ملی، سیاست سرکوب

1. کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور قزوین، ایران sfarahmand457@yahoo.com

2. (نویسنده مسئول)، دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج، ایران alireza.samiee.esf@gmail.com

1. مقدمه

نتیجه انتخابات پارلمانی نوامبر 2002 که در آن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان^۱ و عبدالله گل^۲، با کسب آراء لازم توانست در یک نظام سیاسی سکولار به تنهایی دولت تشکیل دهد، از یک طرف آینده ترکیه را با یک پدیده مهم روبرو نمود و از طرفی دیگر سیر تاریخی اسلام‌گرایان این کشور را وارد مرحله نوینی کرد. این حزب سیاست‌های سنجیده و روشمندی را جهت بهبود اوضاع داخلی کشور در دستورکار خود قرار داد به طوری که پرتو اجرای آنها تحولات مثبت و بنیادین در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشور به وجود آمد. رسیدگی نسبی به مسئله کردها بیش از سی دهه جنگ و خونریزی و توجه به مطالبات آنها و آزادی بیشتر کردها برای رسیدن به حقوق خود از بارزترین مصادیق این اقدامات بود. گامی که این حزب در فرایند احقاق حقوق کردها به ویژه در مذاکره با پ.ک.ک^۳ به منظور آشتی ملی با کردها برداشت را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ ترکیه خواند. بی‌گمان سران حزب عدالت به منظور استقرار امنیت سیاسی و اجتماعی ترکیه و با توجه به تأکیدی که بر اعلامیه جهانی حقوق بشر و موافقت نامه اروپایی این اعلامیه و آزادی‌های اساسی داشتند، مسأله شکاف بین اقلیت کرد با جامعه ترکیه را مورد توجه قرار دادند.

سیاست‌های میانه‌رو و اعتدال‌گرایانه اردوغان توانست علی‌رغم مواجهه با مخالفت‌های احزاب رقیب چون سکولارها و ناسیونالیسم‌ها، گامی بلند در سیاست‌های آشتی ملی بردارد. به طوری که نمی‌توان پیشرفت‌های نسبی موجود در حل مسئله کردها را انکار کرد. بنابراین با توجه به رویه و مواضع نسبتاً اصلاح‌گرایانه اردوغان، این پرسش پیش می‌آید که چرا این مناسبات بعد از یک دهه آرامش نسبی، به تیرگی و کشمکش بدل

1. Recep teyeb Erdoğan
2. Abdullah Gül
3. Kurdistan Workers' Party

گردید؟ و به عبارت دقیق تر علت فعال شدن مجدد شکاف قومی ترک - کرد پس از یک دهه سیاست آشتی ملی و کاهش حمایت کردها از حزب عدالت و توسعه در انتخابات 2015 چه بوده است؟ فرضیه مورد آزمون پژوهش این است که؛ به نظر می‌رسد ناتوانی دولت ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه در پی‌گیری و تامین کامل مطالبات اقلیت کرد پس از مذاکرات آشتی ملی و عدم دستیابی کردها بر مطالبات اصلی‌شان از یکسو، و گرایش کردها به همبستگی فرامرزی با کردهای سوریه و عراق پس از تحولات اخیر خاورمیانه از سوی دیگر باعث خصمانه شدن مواضع طرفین و فعال شدن شکاف ترک - کرد در انتخابات اخیر شده است.

2. ادبیات پژوهش

اگر چه در خصوص حزب عدالت و توسعه پژوهش‌هایی بسیاری انجام گرفته است با این وجود، هیچ پژوهشی به بررسی سیر تحول رویکردهای متعارض آشتی‌جویانه و خصمانه این حزب در قبال کردها نپرداخته است. در زیر به برخی از آثار لاتین که از لحاظ موضوعی تا حدودی به پژوهش حاضر نزدیک می‌باشد، اشاره می‌گردد.

عمر تاش پینار و گونول تول (2014)، در مقاله‌ای با عنوان «ترکیه و کردها: از پیامدهای منفی تا دست‌آوردهای مثبت» به جریان مذاکرات ترکیه با «عبداله اوجالان»¹ پرداخته و می‌نویسند که مذاکرات بین آنکارا و حزب کارگران کرد، نقطه عطفی در تاریخ ترکیه می‌باشد. چرا که برای اولین بار، مذاکرات جای جنگ را گرفته است. از نظر این دو تحلیل‌گر، ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه تلاش می‌کند تا از طریق مذاکرات، «پ. ک. ک.» را متقاعد به خلع سلاح و ترک خاک ترکیه نماید. اما تحولات منطقه‌ای چون بهار عربی در سال 2011 م منجر به «بیداری کردی» در منطقه شد که این جریان تبعات داخلی

1. Abdullah Öcalan

و منطقه‌ای برای ترکیه به بار آورد. در بعد داخلی افزایش درگیری بین «پ.ک.ک» با دولت مرکزی ترکیه و از بعد منطقه‌ای احتمال ظهور کردستان مستقل در سوریه و تاثیر آن بر کردهای ترکیه از جمله این تبعات بود که روند صلح را بر هم زده و باعث شکسته شدن صلح گردید.

دفته گون آی (2013)، در مقاله‌ای با عنوان «اروپایی سازی ظرفیت‌های دولت و سیاست خارجی: ترکیه در خاورمیانه» می‌نویسد؛ در مقایسه با دیگر کشورها، روند گسترش روابط ترکیه با اتحادیه اروپا، منحصر به فرد بودن این کشور را از بسیاری جهات ثابت می‌کند. نویسنده اذعان می‌کند که با وجود اینکه مهم‌ترین مسئله این کشور در سیاست‌های داخلی و خارجی معاصر خود، پیوستن به اتحادیه اروپا بوده است و به رغم امتیازات پیاپی ترکیه به اتحادیه اروپا، به نظر می‌رسد، چشم‌انداز الحاق به اتحادیه مذکور افق روشنی ندارد.

اوزلم کایاهان (2014)؛ نیز در مقاله‌ای با عنوان «شکاف‌های کردهای ترکیه: دستاوردهای دیرپای مورد انتظار و امیدهای شکست‌خورده» مسئله کردی را یکی از مهم‌ترین مشکلات ترکیه می‌داند که از زمان تاسیس جمهوری ترکیه، دولت‌های مرکزی این کشور با آن مواجه بودند و همواره سعی بر حل و فصل آن از طریق نظامی داشتند. بعد از آمدن حزب عدالت و توسعه، فصل تازه‌ای در دفتر روابط کردها با آنکارا گشوده شد. این حزب تلاش کرد تا به شیوه دموکراتیک با این مسئله برخورد نماید. به عقیده این تحلیل‌گر اردوغان با هدف امنیت‌زدایی از مسئله کردها در سال 2009 م فرایند گشایش دموکراتیک را آغاز نمود. فرآیندی که می‌خواست از طریق ابزار دموکراتیک و مدنی به خشونت خاتمه دهد. اما حمله نظامی «پ.ک.ک» در 2011 م به ترکیه و موضع تند این کشور نسبت به آن، این روند را با مشکلات زیادی روبرو کرد. بنابراین اردوغان با تغییر سیاست خود،

نسبت به کردها گفتمان سخت‌گیری را تقویت کرده و این امر موجب شکاف هرچه بیشتر ترک - کرد شده است.

3. مبانی نظری پژوهش

کشور ترکیه برغم تلاش برای تامین معیارهای اتحادیه اروپا جهت پیوستن به کشورهای اروپایی، همچنان مسیر دشواری را پیش روی خود دارد، این کشور نیز همانند بسیاری از کشورهای خاورمیانه، جامعه‌ای است پرشکاف که از محیط اجتماعی پرتنش داخلی و منطقه‌ای و تبعات امنیتی این پیرامون اجتماعی آشفته رنج می‌برد. از این رو فهم دقیق رابطه دولت ترکیه با اقلیت کرد این کشور نیز بدون توجه کافی به محیط امنیتی داخلی و خارجی و تهدیدات ناشی از آن بر انسجام و همگونی این کشور امکان‌پذیر نیست. بنابراین، با توجه به مشکلات و معضلات درهم تنیده کشور ترکیه، لاجرم می‌بایست مبحث شکاف-های اجتماعی را از منظر دغدغه «امنیت ملی»^۱ یا به تعبیر دقیق‌تر «امنیت حکومت»^۲ مورد بررسی و ارزیابی قرار داد.

باری بوزان تحلیل‌گر برجسته مکتب امنیتی کپنهاگ در کتاب مشهور خود تحت عنوان مردم، دولت‌ها و هراس (1983) در نظریه امنیت ملی خود بر دو مفهوم تأکید می‌کند. نخست؛ میزان انسجام سیاسی و دوم؛ نوع محیط‌های امنیتی. در بحث میزان انسجام سیاسی بوزان تأکید خود را بر مشروعیت یا عدم مشروعیت هیأت حاکمه در میان مردم آن کشور قرار می‌دهد و بر این اساس حکومت‌ها را به دو گروه قوی و ضعیف تقسیم می‌کند. در بحث محیط امنیتی نیز، وی به ثبات یا بی‌ثباتی در محیط امنیتی کشورها اشاره می‌کند. وی معتقد است کشورهای غربی و کشورهای جهان سوم در این دو مقوله با یکدیگر

1. National security

2. Government security

متفاوتند، چرا که بسیاری از کشورهای جهان سوم هیأت حاکمه شکننده‌ای دارند که از مشروعیت پایینی برخوردارند و این امر باعث متزلزل شدن پایه‌های حکومت آن‌ها می‌شود. بوزان برای کشورهای جهان سوم مفهوم «امنیت حکومت» را در مقابل امنیت ملی به کار می‌برد، چرا که امنیت حکومت به امنیت رژیم حاکمه برمی‌گردد. ولی درباره حکومت‌های قدرتمند غربی مفهوم امنیت ملی عمدتاً برای حفظ استقلال، هویت سیاسی و شیوه زندگی - شان در برابر تهدیداتی که از سوی دیگر کشورها متوجه آن‌ها است به کار می‌رود، نه در برابر تهدیدات داخلی. (بوزان، آزر و این مون، 1379: 41) بوزان ترکیه را در دسته «کشورهای ضعیف» معمولی مانند پاکستان، سوریه، بولیوی، فیلیپین و زئیر قرار می‌دهد. وی ویژگی اصلی این کشورها را «نگرانی شدید از تهدیدات داخلی نسبت به امنیت حکومت می‌داند.» به اعتقاد وی چون این دولت‌ها هنوز در مراحل اولیه تلاش برای تحکیم خود به‌عنوان دولت-ملت هستند خشونت داخلی گسترده‌تر است در چنین شرایطی خشونت به منزله جمع شدن قدرت در دست حکومت مرکزی و نشانه بیماری سیاسی است (Buzan, 1983:65-68).

اما یکی از جامع‌ترین پژوهش‌هایی که تاکنون در خصوص امنیت در جهان سوم ارائه شده است، اثر کارل جی مارتین¹ با عنوان «رهیافتی جامع برای مطالعه امنیت ملی در خاورمیانه» است. نویسنده، ضمن بیان دلایل ناکارآمدی نظریه‌های کلاسیک امنیت (واقع-گرایی و لیبرالی) برای جوامع جهان سومی و به خصوص خاورمیانه، پنج مؤلفه نظریه جدید امنیت در جهان سوم را ارائه می‌کند. وی بر آن است که از ترکیب این پنج مؤلفه می‌توان به دیدی جامع در خصوص امنیت در جهان سوم دست یافت. این پنج مؤلفه عبارتند از: امکانات نظامی، مشروعیت، توانمندی اقتصادی، مدارا و هم‌زیستی قومی - مذهبی و دسترسی به مواد خام حیاتی. (جی مارتین، 1389: 37-38) به اعتقاد مارتین این

1. Karl.j. Martin

رهیافت سوم، می‌تواند معضل امنیت در جهان سوم را به خوبی تشریح کند. به نظر مارتین، "رهیافت سوم ویژگی‌های کشورهای جهان سوم مانند اقتصاد توسعه نیافته، فقدان منافع، بی‌ثباتی رژیم‌های سیاسی و ساخت اجتماعی شکننده را عواملی می‌داند که فی‌نفسه در امنیت ملی نقش مهمی ایفا می‌کنند. اغلب تهدیدها بر ضد چنین دولت‌های آسیب‌پذیری نه فقط از منابع خارجی بلکه از منابع داخلی و فراملی برمی‌خیزد. (جی مارتین، 1389: 38)

بنابراین، تاکید اصلی مارتین در نظریه‌اش، ترکیب بعد غیر نظامی با نظریه امنیت است که به ویژه در جهان سوم این بعد بسیار مشهود است. بر همین اساس، وی بر ترکیبی از عوامل شامل امکانات نظامی، مشروعیت، توانمندی اقتصادی، مدارا و هم‌زیستی قومی - مذهبی و دسترسی به مواد خام حیاتی در نظریه امنیت در جهان سوم تأکید دارد.

بدین ترتیب این نظریه‌پردازان، بر معضلات امنیتی که عمدتاً منشا داخلی دارد مانند ضعف انسجام سیاسی، شکنندگی هیات حاکمه و مشروعیت پایین آن، نگرانی شدید از تهدیدات داخلی نسبت به امنیت حکومت، وفاداری سیاسی مردم به گروه‌های طایفه‌ای قومی، سیاسی، یا مذهبی تا به دولت مرکزی، آسیب‌پذیری نسبت به منابع تهدید داخلی، فراملی و قدرت‌های خارجی که امکاناتی در اختیار فرقه‌های خاص درون حوزه سیاسی آن‌ها می‌گذارند، و به طور کلی بر بعد نرم افزاری امنیت به عنوان شاخص‌های عمده تاثیرگذار بر تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های کلان و نیز راهبردهای مدیریتی دولت‌های این جوامع، تاکید می‌ورزند. ترکیه نیز همان‌گونه که بوزان اشاره می‌کند به مثابه یک کشور درحال‌گذار، از این قاعده مستثنی نیست و با مشکلات امنیتی داخلی و خارجی خاص خود روبروست که سیاست‌ها و رویکرد دولت این کشور را در برخورد با تهدیدات امنیتی داخلی به‌ویژه در رابطه با کردها که همبستگی‌های فرامرزی آن‌ها در قالب طرح کردستان بزرگ و نیز پس از تحولات اخیر خاورمیانه از جمله پیدایی داعش و استقلال اقلیم کردستان عراق و ... تقویت شده است، تحت تاثیر قرار می‌دهد. در ادامه تلاش می‌گردد بر

پایه این چارچوب نظری، چگونگی فعال شدن مجدد شکاف ترک-کرد و اتخاذ رویکردهای متفاوت از سوی دولت اردوغان در قبال کردهای این کشور بین سالهای 2002 تا 2015 تبیین گردد.

5- رویکردهای حزب عدالت و توسعه در قبال کردها

5-1) سیاست آشتی ملی

بی‌گمان، یکی از مهم‌ترین مسائلی که از آن به عنوان بزرگترین مساله امنیت داخلی ترکیه یاد می‌کنند، مساله کردهاست. کردهای ترکیه همواره در تقابل با دولت‌های تشکیل یافته در آنکارا بودند و مسائلی چون انکار هویت کردی توسط قانون اساسی ترکیه و عدم توسعه مناطق کردنشین این کشور، همواره مانع بزرگی در تعامل میان کردها و دولت ترکیه ایجاد کرده است. اما پیروزی حزب عدالت و توسعه را باید تحول جدیدی در سیاست داخلی ترکیه بدانیم زیرا این حزب با زبان نرم سیاسی و تاکید بر حقوق فرهنگی کردها و انعطاف با «پ.ک.ک» فعالیت‌های نسبتاً اصلاحی را آغاز نمود. در طی این اصلاحات؛ اردوغان برای از میان برداشتن شکاف‌های اقتصادی و توسعه ناموزون ترکیه در میان بخش‌های غربی و شرقی، نخست امکانات رفاهی و آموزشی لازم را برای مناطق کردنشین فراهم کرد. دومین اقدام او ایجاد تغییراتی در سطوح سیاسی بود. به تبع این مساله، گفتمان‌های تبعیض‌آمیزی که تهدیدی بر امنیت داخلی ترکیه محسوب می‌شد، محل بازبینی قرار گرفته شد و مواردی چون سیاست همگون‌سازی اجباری و نادیده گرفتن هویت کردی مورد تجدید نظر قرار گرفت. گام بعدی اردوغان، چهارچوب فرهنگی را مورد توجه قرار می‌داد. پژوهشگران در میان اصلاحات فرهنگی یاد شده بیشتر مسائلی چون: «تاسیس شبکه کرد زبان از سوی دولت و امکان یادگیری زبان کردی به عنوان یک زبان انتخابی در مدارس عمومی» (Polat, 2008: 81) را مدنظر قرار داده‌اند. بی‌گمان انجام چنین اصلاحاتی که

تبیین رویکردهای حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال کردها از آشتی ملی ... / 99

مطالبه چندین ساله کردهای ترکیه بود، می‌توانست در حرکت حزب عدالت و کردها به سمت تعامل و رسیدن به نقطه صلح موثر واقع گردد.

اردوغان برای رسیدن به چنین هدفی سیاست جایگزین کردن مفهوم «شهروندی» به جای «هویت ترکی» را به کار بست و شعار آتاتورک با عنوان «چه خوشبخت است آن کس که گوید من ترک هستم» را از میادین اصلی شهرهای کردنشین برچید تا نشان دهد که به دنبال خلع سلاح حزب کارگران ترکیه موسوم به «پ.ک.ک» و ادامه همراهی مردم این نواحی با حزب عدالت است. به طوریکه به رغم عملیات نظامی «پ.ک.ک» در مناطق کردنشین، سران دولت میلیون‌ها دلار در زمینه کشاورزی، حمل و نقل و پروژه‌های زیربنایی و آموزشی این نواحی سرمایه‌گذاری کردند. اما روند سیاست‌های اصلاحی اردوغان هرچقدر که مورد پذیرش احزاب کردی بود، بیشتر از آن، خشم و نارضایتی‌های ناسیونالیست‌ها و سکولارهای این کشور را هویدا کرد و بر شکاف‌های سیاسی میان سکولارها و ناسیونالیست‌ها از یک سو و حزب عدالت و توسعه از سوی دیگر افزود.

مناسبات ترکیه با اتحادیه اروپا مولفه دیگری است که در تبیین چرایی رفتار صلح‌آمیز حزب عدالت و توسعه در قبال کردها مورد توجه قرار می‌گیرد. در سال‌های منتهی به 2003-2004 ترکیه در سایه همگرایی با اروپا پنج طرح قانونی را در مجلس تصویب کرد که هدف از آن حذف هرگونه شکنجه، گسترش آزادی بیان، امکان پنخس برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به زبان محلی و همچنین آزادی در انتخاب اسامی کردی برای کودکان بود. می‌توان گفت که ترکیه در این مقطع زمانی قاطعیت فراوانی را در تسریع گام‌های اصلاحی نشان داد و تغییرات دامن‌داری را در سیستم سیاسی و حقوقی خود پدید آورد. همچنین با طرح اصلاحات اقتصادی در سال 2004 و همراهی با اقتصاد جهانی، توانست در مدت پنج سال به تقویت اقتصاد ترکیه پردازد و رضایت عمومی را جلب نماید. در کنار این تحولات بنیادین، اردوغان در عرصه داخلی به اصلاحات و ابتکار عمل -

هایی چون «رعایت حقوق بشر و حق شهروندی، لغو مجازات اعدام، تاکید بر رعایت حقوق اقلیت‌های قومی، گسترش آزادی بیان و لغو حالت فوق‌العاده موسوم به «OHAL» در مناطق کردنشین ترکیه» (Bahcheli & Noel, 2011:112) دست زد و در نتیجه در انتخابات پارلمانی 2007، ترکیه، برای اولین بار شاهد حضور 24 نماینده مستقل از سوی کردها و با هویت کردی هست. همین واقعه سیاسی خبر از ارتقاء اجتماعی و اقتصادی کردها در جامعه ترکیه را می‌داد. به نظر می‌رسد مواردی چون «انحلال دادگاه‌های امنیت دولتی، بهبود وضعیت آزادسازی رسانه‌ها و پذیرش حق برخورداری کردها از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی از جمله اصلاحاتی هستند که دولت اردوغان سعی دارد به خاطر نزدیکی به اتحادیه اروپا انجام دهد». در واقع حل مسئله کردها و رعایت حقوق اقلیت‌ها می‌تواند مشکل حقوق بشری که ترکیه در روابط بین‌الملل خود با آن روبرو است را برطرف سازد و به درخواست عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا تحرک جدیدی ببخشد.

فرایند همگرایی ترکیه با اتحادیه اروپا، پیشرفت لازم را در زمینه‌ی دموکراتیزاسیون¹ به خصوص در زمینه وضع حقوق بشر در ترکیه و مسئله کردها، فراهم کرد. (قهرمان پور، 1383: 16) پیرو این مسئله اردوغان بعد از پیروزی در انتخابات 2007 در دوره دوم سیاست‌های خود، اصلاحاتی در رابطه با زبان کردی و آموزش آن به عنوان دومین زبان رسمی کشور و شناسایی هویت و فرهنگ کردی را پیش برد و در تابستان 2009 حزب عدالت، فرایندی را با عنوان «گشایش دموکراتیک»² آغاز کرد. فرایند اصلاحی جدید، اهدافی چون عادی‌سازی و امنیت‌زدایی از مسئله کردها و فراهم سازی راه‌حلی با ابزارهای دموکراتیک و مدنی جهت صلح را دنبال می‌کرد. این بسته شامل استفاده از زبان کردی برای کمپین‌های انتخاباتی و آموزش در مدارس خصوصی، قانونی‌سازی تبلیغات سیاسی در

1. Democratization

2. Demokratik açılım

زبان‌های غیر ترکی «مثل کردی»، لغو ممنوعیت استفاده از نام‌های کردی سابق برای سکونت‌گاه‌های پیش‌تر «ترکی شده» و مباحثی از این قبیل بود اما «دمیرتاش»^۱ رهبر حزب کردی «دموکرات خلق‌ها» در تحلیل بسته دموکراتیزاسیون با مطرح کردن عنوان «چیز جدیدی نبود» آن را صورت‌بندی نوینی از آنچه پیش‌تر از طریق مبارزات سیاسی در خیابان‌ها به دست آمده بود، معرفی کرد. شکی نیست که مباحث موجود بر سر «دموکراتیزاسیون» در این برنامه، باعث رهایی ترکیه از چالش‌ها و تنش‌های قومی یا حداقل کاهش آن می‌شد اما اگر نظر دمیرتاش را بپذیریم می‌توان گفت که دموکراتیزاسیون نمی‌توانست از قدرت کافی در حل مسئله کردها برخوردار باشد. چرا که چنین برنامه‌هایی اگر چه در مقطع مورد نظر پاسخگو بودند، اما نمی‌توانستند مساله کردها را به شکل ریشه‌ای حل کنند به خصوص اینکه حوادث منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این سال‌ها حزب عدالت را بیشتر به سمت تقابل با کردها کشانده است.

آغاز بحران‌های منطقه‌ای خاورمیانه چون بهار عربی و سرنگونی دیکتاتورهای جهان عرب در سال 2011، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی برای آنکارا فراهم نمود و ترکیه را به سوی ایفای نقش رهبری در تحولات منطقه‌ای سوق داد به طوری که خود را نمونه‌ای از «دموکراسی اسلامی» معرفی نمود. با این حال محیط بی‌ثبات و ناامن پیرامون ترکیه از جمله پیدایش جریان‌های افراطی سلفی در عراق و سوریه، نگرانی دولت اردوغان از انتقال این بحران‌ها به درون مرزهای ترکیه را چند برابر کرده است. زیرا شکنندگی ساختار اجتماعی، ضعف انسجام سیاسی و نارضایتی‌های موجود داخلی، می‌تواند فضای مناسب برای رشد جریان‌های سلفی را فراهم آورد. امری که از نظر سیاستمداران آنکارا دور نماده است و باعث گردید تا روابط دولت با اقلیت کرد وضعیت امنیتی به خود بگیرد. این امر به نوبه

خود بر روند صلح و سیاست‌های آشتی‌گرایانه اردوغان تاثیر گذاشته و باعث فعال شدن مجدد شکاف ترک - کرد شده است.

2-5- سیاست سرکوب (تهدیدات داخلی و آسیب‌پذیری خارجی)

رویکرد امنیتی یا سیاست سرکوب وجه دیگری از رفتار سیاسی و نظامی حزب عدالت به رهبری اردوغان در قبال کردهای این کشور است. مولفه‌ای که به نوبه‌ی خود توانست بسیاری از برنامه‌های دیپلماتیک حزب را در قبال حل مساله کردها زیر سوال ببرد. این رویکرد چنانکه در مبحث نظری نیز اشاره شد عمدتاً به نگرانی شدید از تهدیدات داخلی نسبت به امنیت حکومت بازمی‌گردد. این نگرانی در حوادث سال 2007 ریشه دارد. پس از حملات گسترده «پ.ک.ک» در سال 2007 دولت اردوغان قانونی را تصویب نمود که به موجب آن نیروهای مسلح ترکیه قادر به انجام عملیات مسلحانه در شمال عراق علیه کردهای مسلح حاضر در گروه «پ.ک.ک»، به منظور جلوگیری از اقدامات تروریستی آنان می‌کرد. براساس این مصوبه پلیس ترکیه اجازه استفاده از سلاح‌های گرم در مقابله با تظاهرات و تجمعات را به دست آورد و اختیارات بسیار گسترده‌ای به فرمانداری‌ها و مراکز پلیس به منظور سرکوب تمام تجمعات داده شد. واضح است که تصویب چنین سیاستی در درجه اول مناطق کردنشین ترکیه را که به واکنش و بی‌زاری در برابر سیاست‌های سرکوب دولت اردوغان می‌کشاند. به طوری که طی این سال‌ها بیشترین گزارش‌ها از تظاهرات و تجمعات علیه اردوغان و سیاست‌های حزبش از این نواحی بوده است.

مولفه‌ی دیگری که در اتخاذ سیاست‌های چندگانه اردوغان بی‌تاثیر نبوده است، جلب آرای ناسیونالیست‌ها در انتخابات 2011 بود. طی سال‌هایی که اردوغان سیاست دولت خود را در مسیر حل دیپلماتیک مسئله کردها پیش برد و طی آن این قومیت از آزادی‌های چندی برخوردار شدند، شکاف بین این حزب و ناسیونالیست‌های ترکیه را بیشتر کرده بود. امری که می‌توانست تزلزلی در پایه‌های قدرت و مشروعیت اردوغان و

تبیین رویکردهای حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال کردها از آشتی ملی ... / 103

حزب وی باشد. شکی نیست که اردوغان در مقام رهبر حزب در کنار ملاحظات دیگری که داشت به منظور جلب آرای ناسیونالیست‌ها در انتخابات 2011 مواضع تندی بر علیه «پ.ک.ک» و مساله کردها اتخاذ کرده باشد. البته همزمان با اتخاذ چنین راهبردی وعده تغییرات قانونی به نفع قومیت‌های مختلف و در نظر گرفتن حقوق آنان را داد (Ihsandogr,2011:114). آنچه که در بیان چرایی سیاست‌های دوگانه اردوغان در موضع کردهای این کشور به ذهن می‌رسد، بیشتر مبتنی بر استفاده از قدرت هوشمند «ترکیبی از قدرت نرم - سخت» است. چرا که از یک سو به تقابل و ادامه مبارزه مسلحانه با «پ.ک.ک» می‌پردازد و از سوی دیگر با اعطای برخی آزادی‌های سیاسی و اجتماعی به کردهای این کشور به دنبال پایان دادن به طولانی‌ترین بحران خاورمیانه است.

در سال‌های منتهی به 2013-2014 حوادث پیش‌بینی ناپذیر دیگر، نشان می‌داد آنکارا همچنان در روابط خود با کردها، سیاست سرکوب را حفظ کرده است. وقایعی چون «اعتراضات پارک گزی» (Baykal,2013: 5) به علت مخالفت با تخریب این پارک در میدان تقسیم استانبول و تظاهرات صورت گرفته جهت حمایت از مقاومت کوبانی در مقابل داعش در فاصله زمانی کوتاه مدت از یکدیگر، فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه را لرزاند. خشونت دولت اردوغان در سرکوب این دو تظاهرات و کشته شدن صدها نفر و حملات خونین به متینگ‌های انتخاباتی و تخریب اموال حزب دموکراتیک خلق‌ها، از یک طرف و کشته شدن عده‌ای از شهروندان کرد بر اثر درگیری میان طرفداران حزب «مطالبه آزاد» و طرفداران «پ.ک.ک.» در «شهر جزیره» از مناطق استان شرناخ و عدم عملکرد مثبت پلیس در این مساله و فشار بر «اپوزسیون کرد» از طرف دیگر، همچنین انحلال حزب «جامعه دموکراتیک» به وسیله دادگاه قانون اساسی، دستگیری عده زیادی از طرفداران حزب «صلح و دموکراسی» در سال 2009، به جرم شرکت در عملیات‌های «اتحادیه جوامع کردستان» که تشکلی وابسته به «پ.ک.ک» است و محاکمه آن‌ها، سبب گردید تا حسن

نیت حزب عدالت و توسعه را به عنوان مقام حکومتی کشور و تامین کننده امنیت انتخابات و احزاب سیاسی شرکت کننده در آن را زیر سوال ببرد و مردم کرد ترکیه را با این مسئله مواجه نماید که حزب عدالت و توسعه از عهده اداره مناطق کردنشین این کشور برنخواهد آمد. البته این پایان کار نبود، سه سخنرانی معروف اردوغان بیش از هر حادثه دیگری در فاصله گرفتن کردهای ترکیه با حزب و شخص اردوغان تاثیر گذاشت. تاکید اردوغان به مسائلی چون «کوبانی در حال سقوط است»، «در ترکیه مسئله کردها وجود ندارد»، «با تروریست‌ها بر سر یک میز مذاکره نخواهیم نشست» به صورت آشکار تغییر مواضع حزب در برابر کردها را اعلام کرد. این سه سخنرانی حساس اردوغان در برهه‌های زمانی مختلف نتایج وخیمی برای حزب داشت، چراکه این اظهارات تظاهرات کوبانی و قهر جامعه کردهای این کشور را با حزب عدالت و توسعه به بار آورد. بدین ترتیب روند مذاکرات صلح با «پ.ک.ک» که در زمینه امنیت داخلی و فراملی این کشور امری مهم تلقی می‌شود با شکست مواجه گردید.

گفتمان حزب عدالت و توسعه بر دموکراسی محافظه‌کار و گرایش‌های نوجثمانیستی استوار است که نشان از ترک‌گرایی و اسلام‌گرایی سنی معتدل دارد. بنابراین از دید ایدئولوژیک نگاه اعضای حزب عدالت به مسئله کرد، متناقض، ابتدایی و توأم با چالش‌های خاص خود بوده است. در حالی که اسلام‌گرایان ترک بر رسمی بودن زبان ترکی و تمامیت یکپارچه دولت ترکیه پافشاری می‌کنند، اسلام‌گرایان کرد، خواهان به رسمیت شناخته شدن هویت کردی و امتیاز سیاسی چون خودمختاری هستند. بی‌گمان، وجود این دو ایدئولوژی متفاوت در مسئله کردها می‌تواند هرگونه تقابل و تضاد میان کردها و حزب عدالت را ممکن سازد. نگاه رهبران حزب عدالت و توسعه در چارچوب تعدیل ملی‌گرایی کردی است. سران حزب عدالت همواره نسبت به کردها و ناسیونالیسم کردی با نیروهای سیاسی حامی آن رفتار دوگانه نشان داده‌اند. در بعضی مواقع اردوغان با نقد کمالیسم، بر هویت

مشترک اسلامی کردها و ترک‌ها تاکید دارد و در مواقع دیگر، هویت ترکی در گفتار اردوغان به جایگاهی می‌رسد که با رویکرد رسمی کمالیستی به مثابه هویتی فراقومی و ملی فاصله‌ای ندارد و هر گونه بحث پیرامون به رسمیت شناختن زبان کردی، از دید وی به تجزیه ترکیه منجر می‌شود. در واقع این نگاه ایدئولوژیک به مسئله کردها، ریشه در ناسیونالیسم ترکی و اسلام‌گرای سنی دارد. نگاهی که حاضر به پذیرش اقلیت متمایزی به نام کردها نبوده است. بنابر آنچه که گفته شد، اقدامات محدودی که حزب عدالت در راستای تحقق حقوق فرهنگی و مطالبات احزاب سیاسی کرد همچنین مذاکرات صلح انجام داده است را باید با ملاحظات انتخاباتی حزب تفسیر نمود، ملاحظاتی که نشان می‌دهد حزب عدالت به معنای واقعی دنبال پاسخگویی مثبت به ناسیونالیسم کردی نیست و همین امر سبب گردیده است تا به تدریج، ناخرسندی جریان‌های سیاسی کرد به خصوص «پ.ک.ک.» افزایش یابد.

«پ.ک.ک.» یا «پارتیا کریکارین کوردستان»¹ را عبدالله اوجلان با شعار استقلال کردستان در سال 1987 با طرح نوعی از روایت مارکسیستی-لنینیستی تاسیس کرد. این حزب مبارزه با دولت ترکیه را حول محور مارکسیسم و قوم‌گرایی کردی سازمان داده و رهبری می‌کند و اصولاً مرزهای کنونی ترکیه را به رسمیت نمی‌شناسد و کردستان را کشوری مستقل و ترکیه را اشغال‌گر می‌داند» (Kalaycoglu, 2011: 274, kayhan, 2014: 82) «پ.ک.ک.» مبارزه مسلحانه بر علیه ترکیه را از طریق عملیات تروریستی فراوان هم در جنوب شرقی و هم در سایر مناطق ترکیه دنبال کرد اما با بازداشت اوجلان در فوریه 1999 و آتش‌بس یک‌جانبه از طرف «پ.ک.ک.» در پیچه امید برای حل مسئله کردها در ترکیه گشوده شد. سرانجام پس از حدود سی سال درگیری مسلحانه بین «پ.ک.ک.» و نیروهای لشکری و کشوری ترکیه از سال 2005 سازمان امنیت ترکیه با هدف خلع سلاح

1. PartiyaKarkerênKurdistanê

«پ.ک.ک» و حل مسئله کردها به مذاکره با اوجالان پرداخت. هرچند که طرفین مذاکره به توافقاتی چند درباره؛ استفاده از نام کردی برای شهرهای جنوب شرقی ترکیه، تدریس زبان کردی در مدارس، اعطای عفو به شبه نظامیان «پ.ک.ک» و بازنگری در مورد تعریف شهروندی موجود در قانون اساسی ترکیه رسیده‌اند ولی در نهایت در این مذاکرات توفیقات چندانی حاصل نشد. زیرا از یک سو حزب عدالت و توسعه گام موثری برای حل مسئله کردها برنداشته بود و از هرگونه توافق گسترده در مورد حل این مسئله که جایگاه دولت را تهدید نماید و یا مانور قدرت دولت را کاهش دهد، اجتناب می‌کرد و از سوی دیگر تصمیم‌گیران واقف بودند که بدون حمایت احزاب مخالف حزب به خصوص «حزب جمهوری خواه و حرکت ملی» از این مساله حساس، نتیجه‌گیری بسیار سخت و دشوار خواهد بود.

بی شک دو حزب «جمهوری خلق و حرکت ملی» که بر ناسیونالیسم ترکی تاکید اساسی دارند، می‌توانند مسیر مذاکرات را به نفع ایدئولوژی خود تغییر دهند و از طریق برانگیختن احساسات ملی‌گرایی در شهروندان ترکیه و القای جدایی نواحی کردنشین باعث ایجاد فضای دو قطبی و افزایش تنش در فضای سیاسی ترکیه شوند. از سوی دیگر، شاخه‌های مختلف «پ.ک.ک» همواره درباره چگونگی مواجهه با طرح صلح دولت اختلافات اساسی دارند که تصمیم‌گیری آن‌ها را دشوار نموده است. لذا با توجه به مسائل یاد شده حزب عدالت به روند دیرینه نظامی با «پ.ک.ک» ادامه داد و پیرو این امر تا انتخابات مجلس 2011 پیشرفتی در حل مسئله کردها حاصل نشد.

از سال 2014 به بعد دولت ترکیه سیاست جدیدی در قبال پ.ک.ک اتخاذ کرده و با حزب «صلح و دموکراسی» به عنوان شاخه سیاسی پ.ک.ک مذاکرات خود را آغاز نمود. طی این مذاکرات، دو طرف در زمینه‌ی توقف درگیری مسلحانه و خروج نیروهای مسلح پ.ک.ک از ترکیه به توافق رسیدند. به نظر می‌رسد این مذاکرات یک استراتژی با ریسک

بالا و دارای منفعت فراوان برای حزب عدالت باشد و عملکرد دولت را در سیاست داخلی و خارجی به ویژه در روابط آن با سوریه و عراق تقویت خواهد کرد. چنانچه ترکیه بتواند به طور موثر با پ.ک.ک در چهارچوب یک توافقنامه صلح کند، دیگر منطقی بر اساس «دشمن دشمن من، دوست من» است (Tashpinar & tol,2014:2). شایع نخواهد بود. در «21 مارس 2013» عبدالله اوچالان در اقدامی خواستار مذاکره با دولت ترکیه برای حل و فصل مسئله کردها شد. با قبول مذاکرات از سوی حزب عدالت، «جزیره ایمرالی»¹ محل نگه‌داری اوچالان به مرکز این مذاکرات تبدیل شد

حاصل گفتگوهای دولت و عبدالله اوچالان طی چندین مرحله قابل توجه است. «مرحله اول این فرایند آتش‌بسی بود که برقرار شد و بعد از آتش بس، مذاکرات ادامه یافت. مرحله دوم شامل عقب‌نشینی نیروهای «پ.ک.ک» بود که از 25 آوریل 2013 تحت نظارت «مراد کاریلان»² به همراه سلاح و مخفیانه آغاز می‌شد. مرحله سوم این مذاکرات تغییرات قانون اساسی را در برمی‌گرفت، این تغییرات به مواد 1و2و3و4 و بخصوص 42و62 قانون معترض بود. مرحله چهارم نیز در ادامه مراحل قبلی به کنار گذاشتن سلاح از سوی «پ.ک.ک» و به عبارتی به خلع سلاح این گروه اختصاص داشت. در مرحله آخر نیز تاکید بر بازگشت اعضای «پ.ک.ک» به خانه و شرکت در فرایند سیاسی می‌کرد» (Albayrak & Aldin,2013:4-8). به نظر می‌رسد، «پ.ک.ک» به دنبال «آتش‌بس تحکیم شده» است به این معنی که، اردوغان و هم مسلکانش همواره بدنبال رسمی کردن آتش‌بس به عنوان بخشی از مذاکرات و پایان دادن به اقتدار اجتماعی «پ.ک.ک» در منطقه، مانع تراشی «پ.ک.ک» در حمل و نقل امن در منطقه و پایان بخشیدن به تخریب تاسیسات و فعالیت‌های اقتصادی در مناطق جنوب شرقی بوده‌اند.

در کنار اهداف فوق، تحولات منطقه‌ای نیز در پی‌گیری مذاکرات از سوی حزب عدالت و توسعه نقش آفرین بوده است. بارزترین این تحولات را می‌توان بحران سوریه دانست که تبعات ناشی از آن چالش‌هایی را در امنیت داخلی ترکیه به بار آورد و در روند روابط دولتمردان ترک با کردها، تاثیر گذاشت. چرا که سوریه به دلیل اختلافات خود با ترکیه، طی چندین دهه برخی از جنبش‌های سیاسی مخالف آنکارا، از جمله «پ.ک.ک.» را مورد حمایت خود قرار داده و به طور متناوب از این گروه به عنوان اهرم فشار علیه دولت ترکیه استفاده کرده است. بی‌گمان، وجود چنین مسئله‌ای در تیرگی روابط ترکیه و سوریه موثر واقع شد. به طوری که ترکیه همواره تحولات سوریه را به دقت زیر نظر گرفته و برای اعمال فشار و مجازات دمشق، از یک سو با اتحادیه عرب و از سوی دیگر با کشورهای غربی همکاری نموده است. همچنین در نوامبر 2011 ترکیه با قرار گرفتن در موضع تهاجمی و فعال، به یک بازیگر کلیدی در حمایت از مخالفان بشار اسد از طریق برپایی اردوگاه‌های پناهندگی در داخل مرزهای خود با سوریه و برگزاری نشست سران مخالف این دولت در استانبول، تبدیل شد.

در واقع، شکل‌گیری بهار عربی در غرب آسیا و شمال آفریقا، عدم حمایت کشورهای غربی از دولت سوریه، افزایش شورش‌های مسلحانه در سراسر این کشور و تدام این بحران‌ها، فضایی را برای کردهای این کشور مهیا ساخته است که با وجود پراکندگی جمعیت به سوی تشکیل اقلیمی خودمختار نظیر آنچه در شمال عراق است، حرکت نمایند. روشن است که خود مختاری کردهای سوری همچون الگویی بلافاصله با واکنش کردهای ترکیه همراه می‌شد. به طوری که جریان «پ.ک.ک.» به فعالیت‌های مسلحانه خود افزود و خسارت‌های زیادی را بر ارتش ترکیه وارد ساخت. آنکارا می‌داند که پیوندهای قدیمی کردهای سوریه و ترکیه و نفوذ «پ.ک.ک.» در میان کردهای سوریه و تشکیل «اقلیم خودمختار کردستان سوریه» همچون «اقلیم کردستان عراق» می‌تواند زنگ

تبیین رویکردهای حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال کردها از آشتی ملی ... / 109

خطری برای دولت ترکیه باشد. بنابراین ترکیه اقتدار کردها در نواحی شمالی سوریه را به هیچ وجه تحمل نمی‌کند. لذا از همان بدو آغاز بحران سوریه، «داعش و حزب اتحاد دموکراتیک» را به یک اندازه تروریستی خواند. اما در جهت تضعیف «حزب دموکراتیک» از مقابله با داعش پرهیز کرده و به حمایت از این گروه تروریستی پرداخت. ترکیه حتی اگر این امر را رد نماید ولی زمانی که از حمایت جامعه بین‌الملل در رابطه با شهر کوبانی در برابر حملات داعش ممانعت نمود، سیاست حمایتی خود از داعش را نشان داد. امری که پژوهشگرانی چون «مریوس» نیز به آن معترف هستند» (Marus&Aliza,2012: 52- 53).

دغدغه دیگر ترکیه نگرانی از تلاش کردهای سوریه جهت تسلط بر مناطقی از عین-العرب تا عفرین می‌باشد (Mahfadh, 2012: 28-29). بی‌گمان دست‌یابی کردها به این جغرافیای استراتژیکی می‌تواند موجبات قطع کامل ارتباط ترکها با فضای عربی را فراهم کند. امری که برنامه‌ریزان دولت ترکیه خود به خوبی برآن واقفند و به همین علت تسلط کردها بر مناطق مجاور اسکندرون تا سواحل دریای مدیترانه عاملی برای نگرانی ترکیه بوده و خواهد بود. ترکیه برای جلوگیری از تحقق این مسئله سعی کرد تا با ورود به منطقه ممتد از طرابلس تا مرزهای عفرین و ایجاد کمربند امنیتی جهت جلوگیری از تسلط کردها بر این منطقه، بر نگرانی‌های خود خاتمه دهد. به نظر می‌رسد دولت ترکیه با آگاهی از ارتقاء ژئوپلتیک کردها، رویکرد سلبی نظریه‌های امنیت را در پیش گرفته است و سران آن با حذف کلمه «تهدید» از حوزه ادبیات سیاسی خود و در نظر گرفتن بایسته‌های نظری به پای میز مذاکره نشسته‌اند. در کنار این عوامل ذکر شده، می‌توان به موارد چندی نیز اشاره کرد که هم کدام به تنهایی می‌توانست سران حزب را مجاب به مذاکره با کردها کند.

مهم‌ترین شعارهای انتخاباتی حزب عدالت و توسعه در سال 2002 حل معضل کردها بود. سیاست‌مداران حزب عدالت پس از قدرت‌یابی در سامان سیاسی ترکیه اقدامات اولیه در همین راستا را در دستور خود کار قرار دادند. هرچند این فعالیت‌های صلح‌آمیز با

فشار لابی ارتش ترکیه و احزاب لائیک و ملی‌گرا و همچنین قدرت نوبنیاد حزب عدالت و توسعه در آن مقطع، توسعه نبخشید ولی شعار انتخاباتی ترکیه امری است که همواره حزب عدالت را متوجه مطالبات کرده‌ها می‌کند. انتخابات 2015 ترکیه نیز بر تداوم سیاست‌های صلح‌آمیز حزب عدالت و توسعه تاکید داشت. چرا که در انتخابات «2007 و 2002» که با پیروزی اردوغان همراه بود کرده‌ها از وی حمایت کامل داشتند و این امر با روند الگوی رای‌دهی کرده‌ها در سال 2011 که جذب حزب «صلح و دموکراسی» شده‌اند کاملاً متفاوت بود. این مساله بیان‌گر ناامیدی کرده‌ها از سیاست‌های حزب عدالت و توسعه در حل معضل کرده‌ها می‌باشد. بی‌شک حزب مجبور است تا از طریق توجه به حقوق کرده‌ها آراء مناطق کردنشین در انتخابات مذکور را مجدداً کسب کند. از طرفی دیگر روابط ترکیه با اقلیم کردستان عراق درهای مذاکرات کرده‌ها و ترک‌های ترکیه باز نگه می‌دارد. چراکه هرچند ترکیه از سال 2003 تا 2008 یکی از مخالفان سرسخت قدرت‌گیری کرده‌های عراق بود و با حمایت از ترکمن‌های شهر کرکوک باعث ناکامی آنها در دستیابی به این شهر استراتژیک و نفت‌خیز شد. اما مناسبات عالی اقلیم کردستان و رابطه دیرینه‌ی کرده‌های عراق و ترکیه، زمینه برای استفاده از پتانسیل اقلیم کردستان را فراهم ساخت و مسعود بارزانی نقش میانجی، میان کرده‌ها و ترک‌ها را بر عهده گرفت و قدرت چانه‌زنی ترک‌ها را در مقابل عبدالله اوجلان افزایش داد. (حاجی یوسفی، 1387: 129) همچنین افزایش ضریب امنیت در فعالیت اقتصادی امر دیگری است که باید به آن توجه کرد. نظام اقتصادی ترکیه بر امنیت لوله‌های نفت و گاز، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و فعال‌سازی پتانسیل مناطق شرق مبنی است (Taşpınar & Gönültol, 2014: 5). بنابراین نیازمند تامین امنیت مناطق شرقی و لوله‌های نفت و گاز می‌باشد. این در حالی است که حملات گسترده نیروهای «پ.ک.ک» به لوله‌های نفت و گاز و تاسیسات مهم این مناطق، فعالیت اقتصادی

شرکت‌های دولتی و خصوصی را کند کرده است. بنابراین نظام حاکم ترکیه برای رهایی از این معضل اقتصادی و امنیتی نیازمند صلح با گروه «پ.ک.ک» است.

به نظر می‌رسد نگرش دولت ترکیه و کردها، به ویژه «پ.ک.ک»، نسبت به مسئله‌ی کردی تفاوت‌های بنیادینی دارد. (yavuz,2009: 189). برای ملی‌گرایان کرد، ریشه مسئله کردها، در بی‌عدالتی تاریخی و انکار حقوق سیاسی و فرهنگی آن‌ها نهفته است که تا امروز نیز به نوعی در جمهوری ترکیه ادامه پیدا کرده است. آن‌ها راه‌حل این مسئله را در به رسمیت شناختن حقوق سیاسی، فرهنگی و ایجاد سیستم فدرالیسم در مناطق کردنشین می‌دانند، یعنی نگاه متفاوت نسبت به نگاه دولت ترکیه دارند. تفاوت دیدگاه در صورت‌بندی مسئله و مکانیسم حل و فصل آن، زمینه‌ساز بی‌اعتمادی گسترده‌ای در خلال سال‌های مذاکرات صلح بین طرفین گردید. به همین دلیل بود که روند مذاکرات صلح به راحتی و بر اثر وقوع حوادث بعد از انتخابات 7 ژوئن 2015، جای خود را به انکار و اولویت برخورد نظامی و جنگ دوباره با «پ.ک.ک» و دستگیری برخی از فعالین سیاسی و مدنی مناطق کردنشین داد. در کنار این مسئله، موانع مهم دیگری در مسیر رسیدن به صلح پایدار و پیاده نمودن نتایج مذاکرات صلح وجود دارد که می‌توان به موارد چندی اشاره نمود. ابهام و عدم شفافیت مفاد توافق‌نامه بین دولت و اوجالان، عدم دید مثبت در داخل سازمان «پ.ک.ک» نسبت به توافق‌نامه، عدم طی روال قانونی توافق‌نامه در پارلمان و طرح امنیتی جدید دولت ترکیه که سیاستمداران آن را در تقابل با صلح با کردها می‌دانند از جمله این موانع هست.

وقایع سیاسی جدیدی که فضای کنونی ترکیه با آن مواجه است نه تنها بر فاصله بین کردها با آنکارا افزوده است بلکه تعریف جدیدی از مسئله کردها ایجاد کرده است که نشان می‌دهد چالش‌های عمیقی فراروی رهبران ترکیه قرار دارد. ناکامی حزب عدالت و توسعه در انتخابات بهار 2015 که پس از 13 سال حاکمیت این حزب در ترکیه برای اولین بار

اتفاق می‌افتاد، سبب گردید تا اردوغان و همسلکان حزبی‌اش سیاست پیچیده‌ای را برای جبران شکست خود و کسب موفقیت در انتخابات دور دوم در پیش گیرند. در همین راستا اردوغان به بهره‌گیری از ناآرامی‌های پس از انتخابات و درگیری‌های شدید در مناطق کردی پرداخت و دست روی احساسات ناسیونالیستی مردم گذاشت. باید گفت که حزب عدالت از طریق سیاست‌های ناسیونالیستی به خواسته‌های خود رسید. به طوری که نه تنها در انتخابات پاییز 2015 با کسب 49/5 درصد آراء، موفق به اخذ کرسی‌های لازم برای تشکیل دولت گردید بلکه موجب رضایت و نزدیک شدن حزب «حرکت ملی» به حزب حاکم گردید. اما پیامدهای منفی نیز داشت که مهم‌ترین آن شدت بخشی شکاف دولت با کردها بود.

کودتای نافرجام 2016 رویداد جدید و مهم دیگر است. چراکه در فضای پساکودتا نه تنها اعضای «جنبش گولن» و نهادهای همسو با آن، به اتهام راه‌اندازی کودتا دستگیر و سرکوب شدند بلکه این مسئله دستاویزی برای دستگیری برخی از فعالین کردی و توقیف برخی از نشریات کردها شده است. «به عنوان نمونه نشریه «اوزگورگوند»¹ به اتهام تبلیغات برای «پ.ک.ک» و ارگان رسانه‌ای این سازمان، در 16 آگوست 2016 توقیف و برخی از روزنامه‌نگاران آن به اتهام تروریست در 31 آگوست بازداشت شدند» (Hurriyet daily news, 2016) و مصونیت پارلمانی نمایندگان حزب «دموکراتیک خلق‌ها» لغو و اخیراً برای برخی از آن‌ها احضاریه از دادگاه صادر شده است. واضح است که ایجاد این فشارها از سوی دولت و جنگ لفظی و سیاسی رهبران احزاب کرد با مقامات ارشد دولتی در کنار خشونت‌های چند سال اخیر مناطق کردنشین ترکیه، بر عمق شکاف کردی-ترکی بیش از پیش افزوده است و امکان مصالحه سیاسی و بازگشت به سرمیز مذاکره را به گزینه‌ای دشوار تبدیل ساخته است.

برگزاری رفراندوم استقلال اقلیم کردستان عراق در 25 سپتامبر 2017 نیز رویداد دیگری بود که خبر از تقابل دولت ترکیه با مناطق کردنشین کشورش داد. اردوغان اعلام کرد که ترک‌ها خواستار حفظ تمامیت ارضی عراق هستند و برگزاری همه‌پرسی مورد نظر را خطری برای وحدت این کشور نامید (Blanchard, 2017: 1). چرایی نگرانی مقامات ترکیه کاملاً آشکار است چرا که تشکیل دولت کردی در کنار مرزهای ترکیه، تهدیدی بسیار جدی برای امنیت و تمامیت ارضی ترکیه است و می‌تواند به الگوی مناسب جهت جدایی-خواهی کردهای این کشور تبدیل گردد. به ویژه این که در حال حاضر مسئله کردهای ترکیه در وضعیت نامساعدی قرار دارد و مناسبات رهبران کرد و دولت مرکزی در وضعیت پرتنش و خطرناکی به سر می‌برد. در مجموع به نظر می‌رسد با توجه به گرایش‌های ایدئولوژیک حزب عدالت و توسعه، به ویژه شخص اردوغان و گسترش و درگیری و خشونت در مناطق کردنشین ترکیه طی چند سال اخیر و اعمال فشار بر فعالین کردی بعد از کودتای نافرجام، امکان حل و فصل مسئله کردی برای ترکیه در آینده‌ای نزدیک وجود ندارد یا حداقل بسیار دشوار است.

نتیجه‌گیری

تا پیش از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، کردها به عنوان جامعه اقلیت در دوره آتاتورک و دوره‌های بعدی به خاطر سرکوب شدید و کشتار وسیع، تقریباً فرصت هیچ‌گونه ابراز وجودی پیدا نکرده بودند. آتاتورک با تکیه بر اندیشه‌های ناسیونالیسم ترکی سعی کرد تمامی امکانات را در جهت ایجاد یک دولت قوی صرفاً ترک «برخلاف واقعیت‌های موجود جامعه» به کارگیرد. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه تحول جدیدی در سیاست داخلی ترکیه ایجاد شد. این حزب با توجه به سیاست آشتی ملی خود در قالب اصلاحات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی از قبیل ایجاد امکانات رفاهی، آموزشی و سرمایه-

گذاری‌های زیربنایی، نادیده گرفتن سیاست همگون سازی اجباری، توجه به هویت کردی و ناسیونالیسم کردی، مذاکرات صلح با پ.ک.ک، گام‌های خوبی در این میسر برداشته است. با این حال، اقدامات نسبتاً اصلاحی حزب عدالت که در قالب سیاست‌های نرم-افزایی این حزب و تلاش برای ایجاد آشتی ملی در کشور قابل تعریف می‌باشد، به معنای ایجاد آرامش کامل در منطقه کردنشین ترکیه نبود. چرا که از طرفی روند سیاست اصلاحی اردوغان خشم ناسیونالیست‌ها و سکولارها را به دنبال داشته و باعث ایجاد شکاف سیاسی بین ناسیونالیست‌ها و سکولارها از یک سو و حزب عدالت از سوی دیگر شد. از طرفی دیگر تهدیدات فراملی ناشی از تحولات فراملی و منطقه‌ای یعنی آغاز بحران‌های خاورمیانه چون بهار عربی، بحران سوریه، پیدایش گروه‌های تروریستی سلفی و تبعات ناشی از آن، چالش‌هایی را متوجه امنیت داخلی ترکیه کرد. چراکه تداوم بحران در سوریه و حرکت کردهای این کشور به سوی تشکیل اقلیم خودمختار نظیر شمال عراق، همچون الگویی بلافاصله با واکنش کردهای ترکیه همراه بوده است. این مسائل در کنار رویدادهای سالهای 2013-2014 میلادی چون پارک‌گری، تظاهرات کوبانی و سرکوب این تظاهرات از سوی آنکارا، حمله به متینگ‌های انتخاباتی، حوادث شهر جزیره و سخنرانی‌های اردوغان بر ضد اقلیت کرد و گرایش به سمت سیاست سرکوب همگی نشان از ضعف دولت در بعد نرم افزاری امنیت مانند مشروعیت، یکپارچگی و توانایی سیاستگذاری دارد.

بنابراین، ضعف‌های آشکار دولت ترکیه در برابر تهدیدات امنیتی داخلی و منطقه‌ای (که بخش عمده‌ای از آن‌ها ریشه تاریخی و ساختاری دارد) باعث شد که حزب عدالت و توسعه رویکرد ترکیبی اصلاحات و سرکوب (چماق و هویج) را در قبال کردها در پیش گیرد، سیاستی که دستاوردهایش بیشتر در حوزه نظری و رتوریک باقی بماند. مهم‌ترین بازتاب این مسئله توقف در روند مذاکرات صلح، ناتوانی دولت ترکیه در پی‌گیری و تأمین کامل مطالبات اقلیت کرد پس از آشتی ملی و همچنین گرایش کردها به همبستگی فراملی

تبیین رویکردهای حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال کردها از آشتی ملی ... / 115

جهت هم‌دردی و حمایت از هم‌نوعان خود در کشورهای سوریه و عراق پس از تحولات اخیر خاورمیانه، و در نهایت خصمانه شدن مواضع یکدیگر و فعال شدن شکاف ترک - کرد در انتخابات 2015 گردید. بنابراین، پیشرفت در زمینه دولت-ملت سازی تا حدود زیادی به مولفه های نیل به مشارکت سیاسی، توسعه اقتصادی و وفاق اجتماعی و یا به عبارت دیگر ایجاد مفهوم مشترکی از ملت بودن بستگی دارد.

منابع

- حاجی یوسفی، امیرمحمد (1387)، *سامان سیاسی در عراق جدید*، تهران: چاپ سوم، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
- جی مارتین، لی (1389)، *چهره جدید امنیت در جهان سوم*، ترجمه قدیر نصری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- زارع، محمد رضا (1383)، *علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه*، تهران: انتشارات اندیشه سازان نور.
- یاووز، هاگان (1389)، *سکولاریسم و دموکراسی در ترکیه*، ترجمه احمد عزیز، تهران: نشر نی.
- مقالات
- بوزان، باری (1380)، «تحول در مفهوم امنیت بین الملل و جامعه بین الملل و امنیت بین الملل»، ترجمه کابک خیبری، *فصلنامه فرهنگ و اندیشه*، سال اول، شماره سوم و چهارم.
- قهرمان‌پور، رحمان (1383)، «آینده روابط ترکیه و ایران»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال یازدهم، شماره 1.
- Albayrak, A., Tol. (2013) "*Terrorist pkk Halts withdrawal from urky, Maintains cease of fire,*" *Washington universitys in stitute for Middle East studies*, pp.4.8
- Aybayrak, A. (2013) "*Turkeys long Awaited Democracy Packag: the Rundown*" *wall street journal Europe*.
- Aliye, pekincelic & Lelac Noqvi (2007), "*(ADFAI), December. P, 9*"
- Andrew Blum & Amy pate, (2004) "*Improving Ethnic Analysis through the use of comparative scenarios, a prototype cases report on the kurds in turkey*", University of Maryland, pp.15- 16.
- Atacan f. (2005), "*Explaining Religious politics at the coss road: AKP-sp,*" *studies*, (2), pp.181-182.
- Baykal, z. (2013) "*Geziparkidirenciart*" *Ortudoguteknik, Irkgilikuyesi*" (RCO5), *universitesi.turkey*, p.5.

- Bahchelia T. Noel, S. (2011), *"The Justice and Development party and the Kurdish Question" innationalisms and politics in turkey political islam, kemalism and the Kurdish issus, editwd by Marliscasier and joost Jongerden.* New York: Routledge, p.112.
- Buzan, Barry. (1983), *People ,states and Fear the Nation* (Brighton: University of Noth California press. PP65-8.
- Blanchard, M. Chirstopher. (2017) "Kurds in Iraq propose controversial Referendum on Independence", *Specialist in Middle Eastern Affairs.*
- Dagi, I. (2008) *"the justice and Development party"*, *Middle East Technicul University*, Reserch Interests: Human rights, p.97.
- Democratization Package Passes in the TBMM (2014) *"Aljazeera Tury, "Turkish parliament Adopt Democracy pakage, Goes to Recess"*, *Hurriyet Daily Newo.*
- Gozubuyuk. s. & lsezgin. z (1924), *" Anayasasi Hakkmda Mechis Goru smeleri"*, [Parlimentaly sessions on 1924 constitution], Ankara: Universitesi siyasa (Bilgiler fakultesi: Yayin, 1957), p.7.
- Grahame. fuller and Iano (1993). *Lesser, turkeys new Gepolitics* (color: west view pres), p.56.
- Gunay, Defne. (2013) "Europeanization of state capacity and foreign polisy: *Turkey in the Middle fast" Department if international Relations*, Atilim university, Ankara, Turkey. Dil: 10.1080, /13629395.
- Kalaycoglu. E (2011) *"the Turkis Euodyssey and Political Regime change in turkey"* *south European society and politics* (sp.iss.si), vol16, no2, pp.272-274.
- Kamrava. M. (1998), *"pseudo-Democratic politics and populist. the Rise and Demise OF Turkeys Refah party"*, *British Journal of Middle Eastem studies*, 25(2), pp.275.
- kayhan. o (2014) *"pasane Department of internations"*. *Islk university, Mesratiyetkoyu, Universitesokak* ,No.:2,34980 sile, Istanbul, turkey P.p.82- 83.
- _____ "Turkey's Kurdish opening Long Awaited and failed Expectati0ns", *Dpartment of International Relations*, Isik University, Mesrutiyet Koyu, Universite sokak, Sile, Istanbul, Turkish studies, 15:1, 81-99, Dol: 10.1080/14683849.
- Marcus, Aliza (2012) *" the kurds in the new Middle East"* *new York :*, New york University, Pp.51.52.

- Mahfudh, Ageel, (2012), Syria and Turkey: aturning point or a historical bet? *Arab center for Research and policy studies*, Pp.28-29.
- Polat, k. (2008), "*The Kurdish Issue: can the AKPparty. Escape securitization?*", vol1o, no3, p.81.
- Philip,R.(2012), " Turkish foreign policy since 2002: between opst-islamist. Government and AKP kamalist" *state International Affairs*, vol3, p293."
- Schleifer, Yiqal,(2013) "*Ankaras new Democratization package Gets MixReviavs*" Eurasionet.
- Tuspinar and Gonultol(2014) "*Turkey and the kurds: from predicament to Opportunity*", Washington university, p.5.
- Tuspinar and Gonultol(2014) "*Turkey and the kurds: from predicament to Opportunity*", Washington university,p.2.
- Turkish linguist arrested on terror charges in Ozgur Gundem probe*, September & 2016, [http://www.Hurriyetdailynews.com/Turkish-linguist-arrested-on-terror-chares-in-ozgur-gundem-probe.aspx?PageID=238&nID=103449,&News catID=341](http://www.Hurriyetdailynews.com/Turkish-linguist-arrested-on-terror-chares-in-ozgur-gundem-probe.aspx?PageID=238&nID=103449,&News%20catID=341).
- Walker,Joshua,(2012), *turkeys time in Syria: future scenarios*, Brande is University, *crown center for Middle East studies*, no.63, pp.1-2.
- Unver,A. (2011), "*Turkeys –kurdish initiative*": what went wrong?(or did it?) *,London school of Economics and political science by ssali*, p.5.
- Yavuz,(2009),*Secularism and Muslim Democracy hn Turkey*, Cambridge and New York, Cambridge UNIVERSITY PRESS.
- Ziyaonis and Yilmaz(2009), "*Between Europeanization and Euro ASIANISM:foreign policy Activism in turkey adauring the AKP Eraturkishstudie*"s,vol.i,No,ip.

سایت

- Guzel,Hasan(2006), "turkey'dekurtsayisinadir"?available at:
<http://www.radikal.tr/haber.php?haberno=194974>.
<http://www.hukuki.net/kanun/1585.15framest.asp>.population low of 1972 waz amended in 2003.
- Explanation the Approaches of the AKP towards Kurds Minorities (From National Reconciliation to Political Repression 2015-2002)